



نشریه علمی تمدن اسلامی و دین پژوهی

سال اول / شماره یکم / پاییز ۱۳۹۸



## اثرگذاری شیعیان بر تمدن اسلامی دوره تیموریان در افغانستان

علی اکبر محمدی گراشی<sup>۱</sup> / علی جمعه فکووری<sup>۲</sup>

(۱۰-۳۱)

### چکیده

امپراطوری تیموریان در افغانستان قرن هشتم تا نیمه اول قرن دهم هجری قمری از دوره های درخشان تمدن اسلامی است که تحقیقات زیادی توسط محققین تاریخ و تمدن اسلامی، اعم از مسلمان و غیر مسلمان، البته بدون توجه به جایگاه علما و هنرمندان شیعی، صورت گرفته است (مسأله) لذا با این سؤال مواجه ایم: "شیعیان افغانستان چه نقشی در رشد و شکوفای تمدن اسلامی عصر تیموریان داشته اند؟" هدف این پژوهش نشان دادن نقش فراموش شده شیعیان افغانستان در گسترش و رشد عناصر تمدن اسلامی است که با روش توصیفی- تحلیلی سامان یافته است. یافته های این تحقیق بر اساس تحلیل منابع تاریخی، ادبی و آموزه های مذهبی موجود در آثار هنری دوره تیموریان حاکی از آن است که علما و هنرمندان شیعی افغانستان نقش بزرگی در خلق و گسترش رنسانس تیموری ایفا نموده اند.

**واژگان کلیدی:** اثرگذاری، شیعیان، تمدن اسلامی، تیموریان و افغانستان.

<sup>۱</sup> - استادیار علوم قرآن و حدیث مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی و مرکز پژوهشی تمدن اسلامی و دین پژوهی

پیامبر (ص) ( نویسنده مسئول ) Mohamadi.gerashi@gmail.com

<sup>۲</sup> - دانش پژوه دکتری تاریخ تمدن اسلامی، مجتمع آموزش عالی امام خمینی، قم - fakoori.bs@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۰ نوع مقاله: پژوهشی

## مقدمه؛ طرح مسأله

محدوده فعلی جغرافیایی افغانستان البته در زمانه تیموریان، مورد بررسی این مقاله است که قسمتی از خراسان بزرگ به حساب می آمده است. عمده اطلاعات ما در باره نسخ گرانبهای منیاتوری، خطی، و حتی معماری داخل این محدوده جغرافیایی، گفته های محققین متأخر مربوط به قبل از پیروزی مجاهدین در افغانستان است که به خاطر چهار دهه جنگ و تحولات اخیر، برخی از این آثار ارزشمند نابود یا در مواردی به خارج از افغانستان انتقال یافته و لذا بررسی و تعیین اثرگذاری شیعیان بر تمدن اسلامی دوره تیموریان در افغانستان بر پایه آن کاملاً میسر نیست به علاوه، علی رغم شناخته بودن بعضی از علما و دانشمندان شیعی دوره تیموریان در هرات افغانستان تعیین نقش شیعیان در ایجاد یا گسترش تمدن اسلامی دوره تیموریان از موارد دشوار تاریخی این دوره است که برای رسیدن به این مقصود ناگزیر به محتوای اشعار، نمادهای مذهبی در نقاشی و نگارگری، اسامی، محله ها و یا تصریح برخی از نویسندگان و شعرای معاصر دوره تیموریان اعتماد گردیده که البته با مشکلات و پیچیدگی های همراه بوده است که هدف این نوشتار تلاش برای حل مسائل پیش گفته در دوره حاکمیت تیموریان در افغانستان است که با تصرف بلخ توسط تیمور در سال ۷۷۱ قمری آغاز و تا سال ۹۱۳ قمری با حضور فرزندان و نوادگان تیمور در هرات ادامه یافته است، بخشی از این دوره (از شاهرخ و سلطان حسین بایقرا) به عنوان تمدن اسلامی یا رنسانس تیموری یاد گردیده است.

## علوم و هنر دوره تیموریان در افغانستان

علوم و هنر از شاخصه های اصلی تمدن بشری به حساب می آید که اگر دوره تیموریان را در افغانستان به دو مرحله؛ تیمور (حک: ۷۸۳-۸۰۷ قمری) و فرزندان وی از قبیل شاهرخ میرزا (حک: ۸۰۷-۸۵۰ قمری) و همسر هنردوست او گوهرشاد (؟ - ۸۸۰ قمری)، سلطان حسین بایقرا (حک: ۸۷۳-۹۱۱ قمری) وزیر و مشاور او علی شیرنوائی (۸۴۴-۹۰۶ قمری) و جامی تقسیم نماییم دوره تیمور، خرابی شهرهای بلخ و هرات افغانستان و دوره شاهرخ، سلطان حسین بایقرا و دیگر فرزندان وی دوره درخشان تاریخ تمدن اسلامی در افغانستان است.

هرات در محرم سال ۷۸۳ قمری، بدست تیمور فتح (یزدی، ۱۳۳۶: ۲۳۶) و نابود گردیده بود. ولی بعدها به خصوص بعد از استقرار شاهرخ میرزا به مرکز فرهنگی، سیاسی و تمدنی قرن هشتم، نهم و نیمه اول دهم قمری، تبدیل شد که از آن در منابع غربی و شرقی به «رنسانس اسلامی» یا «رنسانس تیموری» یاد گردیده است. از جمله در زمینه تاریخ:

کتاب های تاریخ این دوره را می توان در سه گروه تاریخ عمومی، تاریخ قرآنی و تاریخ تک نگاری قرار داد:

۱. تاریخ عمومی: تاریخ نگاری عمومی از همان آغاز نگارش تاریخ در میان مسلمانان مورد توجه و اهمیت بوده است که البته آخرین مرحله تاریخ نگاری اسلامی منطقه خراسان در دوره تیموریان به روش روای یا وقایع نگاری توسط شیعیان زیدی نسب افغانستان در چند کتاب محدود انجام یافته که نشان می دهد تاریخ نویسی در افغانستان آن دوره، عام و گسترده نبوده و در همان دوره متوقف مانده است. برخی کتاب های تاریخ عمومی این دوره عبارتند از:

۱/۱. تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الخلفاء اثر سید محمد بن امیربرهان الدین خاوندشاه بن شاه کمال الدین محمود بلخی (۸۳۵ - ۹۰۳ قمری) معروف به میرخواند یا میرخوند، از سادات زیدی افغانستان است که در سال ۸۹۹ قمری به انجام رسیده است. وی بعد از اتمام جلد ششم در ذیقعد ۹۰۳ قمری، در سن شصت و شش سالگی در هرات درگذشت و جلد هفتم کتاب فوق توسط خواند میر نواده دختری میرخواند و جلد های هشتم و نهم و دهم را رضاقلی خان هدایت در دوره قاجاریه به آن اضافه نموده که یک دوره ده جلدی از تاریخ مذکور موجود است. این کتاب چند بار به صورت خلاصه و یک جلدی و در ده جلد چاپ و منتشر شده است.

۱/۲. تاریخ حبیب السیر اثر غیاث الدین حسینی (؟ - ۹۴۱ قمری) معروف به خواندمیر از سادات زیدی هرات و نواده دختری میرخواند است که به سبک تاریخ نگاران مسلمان پیشین تحریر گردیده و مباحث تمدنی زیادی در آن یافت می گردد. وی در سال ۹۲۷ قمری شروع به نگارش کتاب کرد و جلد اول را به سفارش غیاث الدین امیر محمد فرزند امیر یوسف حسینی به پایان رساند و سه جلد دیگر را

به تشویق خواجه حبیب الله ساوجی در سال ۹۳۰ قمری به اتمام رساند. در حدود سال ۹۳۳ قمری هرات را به قصد قندهار ترک کرد و در سال ۹۳۴ قمری رهسپار هند گردید و سرانجام در ششم جمادی الاولی ۹۳۷ قمری در شهر آگره در گذشت. این کتاب در سال ۱۳۳۳ شمسی، از سوی کتابخانه خیام در تهران چاپ گردیده است. چاپ مذکور بسیار قدیمی و این کتاب کمیاب است. کتاب های مآثرالملوک، خلاصه الاخبار و دستور الوزرا نیز از همین نویسنده بوده فقط دستور الوزرا در سال ۱۳۱۷ شمسی توسط سعید نفیسی در تهران منتشر شده است.

۱/۳. تذکره التواریخ، عبدالله کناهی کابلی، تاریخ انبیاء، اولیاء، فضلا و شعرا، سلاطین و امراء تیموریان هند و بناهای هند و افغانستان در قرن دهم قمری است که در سال ۱۰۱۰ قمری، در سه جلد تحریر یافته (ارون بایف، موجانی و موسایف، ۱۳۷۶: ۱ / ۴۴) و نسخه خطی آن در کتابخانه « سالار جنگ » هندوستان است (عطاردی، ۱۳۷۶: ۱۴۲) اما به گفته شمس الدین نورالدینوف نام ایشان عبدالله کابلی یا عبدالله کناهی و امتیاز کتاب در آوردن ماده تاریخ است که در قالب یک مقدمه شش طبقه و یک خاتمه ترتیب گردیده است. وی می گوید سه نسخه از کتاب مذکور در ازبکستان، تاجکستان و هندوستان با مشخصات ذیل وجود داشته است:

الف. نسخه ازبکستان: خط نستعلیق در ۲۵۸ ورق و در اندازه ۲۴/۵ \* ۱۵/۵ سانتی است که در ۱۱ ربیع الاول سال ۱۰۱۰ قمری/ ۹ سپتامبر ۱۶۰۱ میلادی در پرگنه کشمیر انجام یافته و به شماره ۲۰۹۳ در گنجینه نسخ خطی انستیتوت شرق شناسی آکادمی علوم ازبکستان نگهداری می گردد (نورالدینوف، ۱۳۶۵: ۶۴-۶۵). نورالدینوف همین نسخه را اصلی (افتوگراف) می داند که بدست خود عبدالله کابلی کتابت شده است (همان: ۶۵).

ب. نسخه تاجکستان: این نسخه توسط سیمیانوف دانشمند تاجیک در سال ۱۹۵۳ میلادی در اوراتپه تاجکستان یافت شده و به شماره ۱۳۸ در انستیتوت تاریخ آکادمی علوم تاجکستان نگهداری می گردد. به گفته نورالدین اف بعد ها در کابل هنرمند خوشنویسی به نام شایق خطاط در سال ۱۱۴۷ قمری (حدود ۱۳۰ تا ۱۳۴ سال بعد از نسخه اصلی) به خط نستعلیق متمایل به شکسته در ۲۵۶ ورق و در اندازه ۱۵ \* ۲۳ سانتی کتابت نموده است (همان: ۷۴).

ج. نسخه هند: نورالدینوف می گوید: یک نسخه از تذکره التواریخ عبدالله کابلی در موزیم نسخ خطی سالارجنگ حیدر آباد دکن ولایت اندر پردیش هندوستان است که البته در باره مشخصات آن معلومات نداشته است (همان: ۸۰). کتاب تذکره التواریخ به همت علیرضا قوجه زاده تصحیح و در تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۹۳ شمسی، از سوی کتابخانه و موزه مجلس شورای اسلامی ایران در ۷۰۴ صفحه و قطع وزیری منتشر گردیده است.

۱/۴. روضه الاحباب فی سیر النبی و الاولاد و الاصحاب اثر امیر جمال عطاء الله بن فضل الله مشهور به جمال حسینی هروی (؟- ۹۲۷ قمری) از سادات زیدی نسب هرات است که در سه جلد شرح حال حضرت محمد (ص)، خاندان و اصحاب وی، خلفا، علی (ع) و دیگر امامان شیعه، شرح حال علما، سلاطین، فتح قلعه ها، تاریخ آبادی عمارت ها، پل ها و مساجد و... می باشد که در مدت پنج سال (۸۸۸ تا ۹۰۳ قمری) تالیف شده است (نفیسی، ۱۳۶۳: ۱ / ۲۴۵) اما میرخواند تاریخ ختم کتاب را ۹۰۰ قمری می داند (میرخواند، ۱۳۸۵: ۴ / ۳۵۹) که مدت تالیف کتاب دو سال خواهد بود. چند نسخه خطی از این کتاب در انستیتوی آثار خطی تاجکستان است (موجانی و علی مردان، ۱۳۷۶: ۲ / ۲۲۳-۲۲۴). امیر عطاء الله از دانشمندان هرات است که به گفته میرخواند در اقسام علوم دینی و اصناف فنون به خصوص علوم حدیث مهارت کامل داشته و مدتی طولانی در مدرسه سلطانی و خانقاه اخلاصیه هرات تدریس نموده است (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۱۷).

۱/۵. بحر الدرر و حدایق فی کشف الاسرار اثر معین الدین محمد امین فراهی هروی مشهور به معین مسکین (؟ - ۹۰۷ قمری) تاریخ و روایات دینی، در آفرینش عالم و آدم تا دوره رسول اکرم (ص) است. نسخه خطی کتاب به خط نستعلیق در انستیتوت آثار خطی تاجکستان است (موجانی و علی مردان، ۱۳۷۶: ۲ / ۲۱۵). به گفته تهرانی این تفسیر بزرگ و به زبان عربی و فارسی بوده است (تهرانی، ۱۴۰۸: ۳ / ۳۸). بنابر این کتاب فوق تفسیر حقایق تاریخی قرآن کریم است. به گفته خواند میر وی از اطبای دوره تیموریان بوده و مدتی در دارالشفای هرات به درمان بیماران پرداخته است. البته سال وفات را ۸۹۸ قمری می داند (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۰۶ و ۲۰۷).

۱/۶. معارج النبوه فی مدارج الفتوه اثر همان فراهی هروی در تاریخ حضرت محمد(ص) است که در سال ۸۹۱ قمری، تالیف گردیده است. سه نسخه خطی از این کتاب در اندازه ها و اوراق مختلف در انستیتوی آثار خطی تاجکستان است (موجانی و علی مردان، ۱۳۷۹: ۳ / ۱۸۴ - ۱۸۵). از نسخه کتاب که در سال ۱۳۹۸ قمری / ۱۹۷۸ میلادی در مکتبه نوریه رضویه پاکستان چاپ و منتشر گردیده معلوم می گردد که کتاب دارای چهار رکن و یک تئمه کوتاه بوده و مقدمه طولانی به آن افزوده شده است. البته نام نویسنده کتاب، معین الدین کاشفی هروی ثبت گردیده که دقیق به نظر نمی رسد چون معین الدین هروی و کاشفی هروی در واقع دو شخص جداگانه است و برای تشخیص درستی نسبت این اثر به یکی از آن دو، باید تمام آثار، سبک نگارش و نگرش هر کدام در فرصت دیگر مورد مطالعه و بررسی قرار بگیرد.

۱/۷. مجمع الغرائب اثر سلطان محمد بن درویش محمد مفتی بلخی که در زمینه تاریخی و جغرافیایی در یک مقدمه، پانزده فصل و یک خاتمه تحریر یافته است. دو نسخه خطی به قلم مولف از کتاب مذکور در سالهای ۹۷۴ قمری و ۹۸۴ قمری که دومی توسط پسرش تکمیل گردیده در انستیتوی آثار خطی تاجکستان است (موجانی و علی مردان، ۱۳۷۶: ۲ / ۲۲۹). این که نسخه دوم حدود ده سال بعد تحریر یافته احتمال دارد به خاطر اصلاحات یا افزودن مطالب جدید بوده است و از این که این نسخه را پسرش تکمیل نموده می توان دریافت که وی قبل از تکمیل آن درگذشته باشد. به هر حال از زندگی ایشان چیزی زیادی نمی دانیم اما به گفته الذریعه سلطان محمد در همین کتاب آورده است که پدرش در سال ۹۳۵ قمری از بلخ به سوی کوه پایه های بامیان مهاجرت نموده و در روز پنجشنبه اول ماه صفر سال ۹۵۷ قمری درگذشته که آقا بزرگ تهرانی همین سفر را نشانه تشیع و عقیده وی به اهل بیت(ع) پنداشته است (تهرانی، ۱۳۹۰: ۲۰ / ۳۵). طبق این گزارش پدر وی حدود هفده سال در بامیان زندگی نموده و احتمالاً در همان جا از دنیا رفته و سلطان محمد نیز این کتاب را در بامیان تالیف نموده باشد. مطالب و باب های مجمع الغرایب نشان دهنده مباحث تمدنی کتاب است:

- ۱- ..... ۲ - تاریخ النبی(ص). ۳ - فهرست المدن الکبیره و عجایب کل منها. ۴ - عجایب الانسان.
- ۵ - عجایب الحيوانات. ۶ - عجایب النباتات. ۷ - عجایب الجبال والعیون والمجاری. ۸ - البحار.

۹ - الصحاری. ۱۰- الكنيسات. ۱۱ - مساحة وعمق البحار. ۱۲ - مساحة الأرض و بعد البلاد. ۱۳ - علم القيافة والفراسة. ۱۴ - الطيبات. ۱۵ - الحوادث العجيبة التاريخية. ۱۶ - كلمات القصار الأخلاقية.

۲. تاریخ یا قصص قرآنی: تاریخ برای عبرت آموزی و تفکر در سرنوشت گذشتگان بیش از احکام مورد توجه قرآن بوده است. پرداختن به زندگی پیامبران الهی بخشی از این تاریخ است که مورد توجه علمای اخلاق، عرفان، تفسیر و تاریخ مسلمان به خصوص دوره تیموریان قرار گرفته و از آن میان سرگذشت تاریخی، اخلاقی و سیاسی حضرت یوسف و حضرت موسی از ویژگی خاص در این دوره برخوردار است که در زیر اشاره می گردد:

۲/۱. حدایق الحقایق (تفسیر سوره یوسف) اثر معین الدین مسکین بن شرف الدین حاجی محمد فراهی هروی که در قرن نهم قمری، تالیف گردیده و نسخه خطی نستعلیق این کتاب احتمالاً قرن ۱۲ قمری در ۲۹۱ برگ، ۲۱ سطر کامل تحریر گردیده در کتابخانه ملی ایران است (انوار، ۱۳۸۲: ۵/ ۵۲) اما نسخه چاپ سنگی این کتاب به نام حدائق الحقایق، در سال ۱۲۷۸ قمری در تهران چاپ گردیده که در کتابخانه آستانه مقدسه حضرت معصومه [ ش ۵۷۳ ] موجود است (صدرائی و حافظیان، ۱۳۸۳: ۸۲). وی واعظ معروف زمان و همه عمر را در راه گسترش دانش فقه، حدیث و حکمت گذرانده و اشعاری در مناقب ائمه (ع) با تخلص معینی، معین، معین مسکین سروده است (نقیسی، ۱۳۶۳: ۱/ ۲۴۲). یک نسخه از این کتاب به نام حدایق الحقایق (یا حدایق الحقایق فی کشف الاسرار والدقایق) به خط نستعلیق ماورالنهری درشت، اول ماه رجب ۱۲۵۸ قمری در ۴۸۷ ورق به ابعاد ۱۷/۵ \* ۱۳/۵ س، تحریر یافته در انستیتوی آثار خطی تاجکستان است (موجانی و علی مردان، ۱۳۷۶: ۲ / ۲۴۳). کتاب فوق با تصحیح و کوشش سید جعفر سجادی چند نوبت از سوی انتشارات امیر کبیر در سال های ۱۳۴۶، ۱۳۵۷ و ۱۳۶۴ شمسی و یک نوبت از سوی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۶ شمسی و یک نوبت نیز در در لکنه هندی در سال ۱۳۰۹ قمری چاپ گردیده است.

۲/۲. قصص موسی از همان فراهی هروی است که در سال ۹۰۴ قمری (نقیسی، ۱۳۶۳: ۲/ ۲۴۲) سه سال قبل از وفات وی تالیف گردیده است. صاحب الذریعه نسخه کتاب را در تستر نزد شیخ مهدی شرف الدین دیده می گوید این کتاب بعد از تفسیر سوره یوسف و استقبال و تقاضای مردم انجام یافته

است (تهرانی، ۱۴۰۸: ۳/۲۷-۲۸ و ۴/۳۲۸). کتاب مذکور با تصحیح آقایان محسن کیانی و احمد بهشتی شیرازی توسط انتشارات علمی فرهنگی در تهران سال ۱۳۹۳ شمسی چاپ و منتشر شده است. قصص قرآنی در واقع تفسیر داستان های تاریخی قرآن است که سبک عرفانی توسط این عارف و حکیم بزرگ شیعی دوره تیموریان تالیف شده است.

۳. تاریخ تک نگاری: تک نگاری یک شیوه مرسوم تاریخ نگاری است که معمولاً به ابعاد مختلف یک حادثه یا زندگی شخص مورد نظر بدلیل اهمیت تاریخی، سیاسی، اعتقادی یا اجتماعی پرداخته می شود. پادشاهان؛ تیمور و تیمورزادگان علاقه زیاد به نگارش این سبک از تاریخ نگاری داشته اند که به نام ظفرنامه ها چاپ و منتشر شده است.

۳/۱. ظفرنامه اثر سلطان احمد بن خاوند شاه حسینی برادر میرخواند از شیعیان زیدی نسب هرات است که کتاب فوق را بدستور سلطان بدیع الزمان (۴- ۹۲۰ قمری) در تاریخ تیمور نگاشته و در واقع خلاصه ای از کتاب ظفرنامه یزدی است (نفیسی، ۱۳۶۳: ۱/۲۴۱) و چون سلطان بدیع الزمان در سال های ۹۱۱-۹۱۲ قمری حاکم هرات بوده است احتمال می رود این کتاب در همان سال ها تالیف شده باشد.

۳/۲. مختارنامه یا روضه المجاهدین اثر عطاء الله بن حسام واعظ هروی است که در سال ۹۸۱ قمری پیرامون قیام مختار ثقفی تالیف گردیده است. کتاب در سال ۱۲۶۱ قمری به صورت سربی چاپ گردیده که حاوی هشت تصویر نشان دهنده صحنه های از قیام با شکوه و انتقام جویانه مختار بن ابوعبید ثقفی و همراهان وی بر علیه قاتلین حضرت امام حسین (ع) و یارانش می باشد، این کتاب اولین چاپ سربی در ایران دانسته می شود (بابازاده، ۱۳۷۸: ۵۹). نسخه چاپ سنگی کتاب، قطع رحلی سال ۱۳۲۲ قمری به قلم محمدعلی بن ملازین العابدین خوانساری تحریر گردیده در کتابخانه آستانه مقدسه قم وجود دارد (صدرایی و حافظیان، ۱۳۸۳: ۱۲۲).



## نقش شیعیان در رشد و شکوفای هنر دوره تیموریان

هنر به خصوص نقاشی، نگارگری، مینیاتوری و خطاطی از شاه کارهای جهانی تمدن اسلامی هرات در دوره تیموریان است که نمونه های از آثار نفیس و گرانبهای آن در موزه های دنیا موجود است و در دو بخش نقاشی و خط بررسی می گردد:

۱. شیعیان افغانستان و نقاشی دوره تیموریان: «نقاشی، تذهیب و خوشنویسی، که در بادی نظر بینندگان را به یاد زمان شاه عباس می اندازد، محکم ترین پایه های آن در دوره تیموری در شهر هرات گذاشته شده و همه نقاشان و خوشنویسان دوره های بعد شاگردان مستقیم و تربیت شدگان استادان هرات بوده اند» (نفیسی، ۱۳۶۳: ۱ / ۲۲۸). دوره حسین بایقرا، از دوره های پلائی هرات در فن نقاشی به شمار می رود به طوری که دربار این پادشاه در تمام آسیا معروف شده و عده زیادی از شعرا، ادبا، هنرمندان و موسیقی دانها به آن در بار روی آوردند اند(زکی، ۱۳۶۶: ۱۰۹). حتی گفته شده صنعت عکس در زمان شاه طهماسب صفوی در هرات و توسط مولانا کپک هروی ابداع شده است (قمی، ۱۳۶۶: ۴۳). آگاهان هنر نقاشی بر این باورند که نقاشی در ایران از زمان تیموریان و به خصوص نقش آفرینی هنرمندان استادی چون کمال الدین بهزاد در مکتب هرات، به اوج خود رسیده و کتاب های مانند: شاهنامه فردوسی، شاهنامه محمد جوکی (فرزند شاهرخ)، کليلة و دمنه، معراج نامه، گلستان سعدی، بوستان سعدی و خمسه نظامی به سبک مکتب هرات و در این دوره نقاشی شده است و آموزه های مذهبی شیعی در بسیاری از تصاویر و نقاشی ها دیده می شود از جمله:

۱/۱. دو تصویر از تصاویری که در نسخه خطی کتاب تاریخی مولانا نورالدین لطف الله معروف به حافظ ابرو(احتمالاً ۷۶۳-۸۳۳ قمری) نقاشی گردیده و در کتابخانه توپقاپو سرای استانبول ترکیه نگهداری می شود، حضرت علی (ع) را در جنگ خیبر نشان می دهد که به عنوان شجاع ترین رزمنده سپاه اسلام درب قلعه را در دست دارد و در حال انداختن آن به پایین است. جنگ خیبر در سال هفتم هجرت به وقوع پیوست و همان جنگی است که پیامبر (ص) فرمود: «فردا پرچم را بدست کسی می دهم که خدا ورسولش را دوست دارد و خداوند ورسول نیز او را دوست دارند، و قلعه خیبر را خداوند بدست او فتح خواهد کرد» (عسقلانی، ۱۴۱۵: ۱ / ۳۸) و تصویر دیگر که حضرت علی(ع) را در کنار

پیامبر(ص) در مسجد نشان می دهد و شمشیرش را حمایل کرده است (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۷۹-۸۱). این نسخه در دوره شاهرخ به سفارش وی تهیه گردیده نقاشی و تصویر پردازی آن نشان دهنده فضل، شجاعت و همراهی حضرت علی(ع) با پیامبر(ص) است و از این جهت دارای عناصر شیعی است.

۱/۲. نسخه خطی و مصوّر کتاب معراج نامه سده نهم قمری، که توسط میر حیدر شاعر به زبان ترکی ترجمه و به وسیله ملک بخش هروی به خط او یغور - ترکی شرقی- برای شاهرخ درهرات خطاطی گردیده، دارای ۶۱ نقاشی تذهیب شده از مراحل معراج حضرت محمد(ص) است که برخی تصاویر آن حضرت محمد(ص) را در حال قنوت نماز، و تصویری دیگری که حضرت محمد(ص) و حضرت علی(ع) را کنار حوض کوثر نشان می دهند و پشت سر آنان سه در بهشت قرار دارد که در درب اول کلمه طیبه لا اله الا الله و در درب دوم کلمه محمد رسول الله و در درب سوم کلمه علی ولی الله خطاطی گردیده که بیان گر عقاید شیعی در شهادتین است.

۱/۳. دعای جوشن کبیر که در کتیبه دیواری مرقد خواجه عبدالله انصاری درگازرگاه هرات به خط کوفی بین سال های ۸۲۹ - ۸۳۳ قمری حکاکی گردیده است. این دعا دارای صد بند است که شیعیان در شب های قدر ماه مبارک رمضان می خوانند.

۱/۴. تصویر شماره سه از نسخه خطی کتاب کلیله و دمنه مربوط به سال های ۸۶۵ تا ۸۷۰ قمری در کتابخانه گلستان تهران است که تصویر پیامبر(ص)، حضرت علی(ع)، امام حسن(ع) و امام حسین(ع) است که به شیوه مکتب هرات نگارگری گردیده است. همه این ها نشان دهنده تأثیر مستقیم شیعیان افغانستان در عنصر هنر(نقاشی، نگارگری، خطاطی و...) تمدن اسلامی دوره تیموریان است. هرچند به نام نقاشان این تصاویر اشاره ای نشده است اما از نقاشان معروف دوره تیموریان مکتب هرات می توان به این ها اشاره نمود:

۱- کمال الدین بهزاد (۸۴۴-؟) نقاش هراتی که مانی ثانی لقب داده اند (واصفی، ۱۳۵۰: ۱/۱۴۵). از زمان سلطان حسین بایقرا تا زمان شاه اسماعیل صفوی مشغول کار بوده که به گفته نفیسی، چه در زمان خود و چه بعد از آن در فن خود اولین کس بوده است» (نفیسی، ۱۳۶۳: ۱/۳۳۸).

۲- امیرروح الله مشهور به میرک نقاش هروی (قرن نهم قمری) از سادات نبوی نسب هرات است (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۴۸). به گفته قمی در تهذیب، تصویر و خط بی نظیر زمان خود بوده و اکثر کتیبه های عمارات هرات را او می نوشته (قمی، ۱۳۶۶: ۱۳۳) و مدتی رئیس کتابخانه سلطان حسین بایقرا در هرات بوده است (ایران شهر، ۱۳۴۲: ۱/۷۹۹). کارهای او بین سالهای ۸۸۵ تا ۹۳۵ قمری دوام داشته و سه مجلس از آثار وی در خمسه نظامی در کتابخانه فخرالدین نصیری، تهران است (حبیبی، بی تا: ۳۱). بهزاد که در طفولیت پدر و مادرش را از دست داد همین میرک نقاش که کتابدار سلطان حسین میرزا بود سرپرستی بهزاد را به عهده گرفت و او را تربیت نمود. این مطلب نشان می دهد که بهزاد از بستگان روح الله نقاش و از سادات هرات بوده است.

۳- حسن نقاش هروی، از زندگی وی نمی دانیم اما در نقاشی بی مانند عصر خود بوده (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۴۸) که به فرمان محمدخان شرف الدین اوغلی تلگلو (؟- ۹۶۴) نقاشی های داخل روضه امام رضا (ع) را انجام داده و در سر در زیارت این بیت را نوشته است:

حسن بگرد درت گشته بر طریق طواف  
تو کعبه وار همه حاجتش روا کردی  
وی در دارالسلطنه هرات وفات و در جنب مزار پیر هرات دفن گردیده است (قمی، ۱۳۶۶: ۱۴۲).

۴- غیاث الدین نقاش هروی، نقاش و نویسنده که سال ۸۲۲ قمری، در قالب یک هیئت سیاسی همراه میرزا بایسنقر به چین سفر نموده و از زمان خروج از دار السلطنه هرات تا بازگشت در سال ۸۲۵ قمری، گزارش هایی تمدنی از وضعیت شهرها، راه ها، رسوم - عادات مردم و ملوک نام دار را به صورت روزانه ثبت و گزارش نموده است (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲ دفتراول ۳۲۷). این مطلب نشان دهنده اهمیت روابط فرهنگی چین و امپراطوری تیموریان است که شاهزادگان تیموری توجه خاص به گسترش آن داشته اند.

۵- ملاحاجی محمد نقاش هروی (؟ - ۹۱۳) هم عصر میرک نقاش، ذوفنون زمان و در تذهیب و تصویر مهارت تمام داشت، مدتی کتاب دار علی شیرنویبی بود از وی رنجیده خاطر گشت و از سال ۹۰۴ قمری، به شاهزاده بدیع الزمان پیوست (قمی، ۱۳۶۶: ۱۳۳). به گفته خواند میر نجار ماهری نیز بوده است (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۴۲) و احتمال می رود برخی از حکاکی های روی دیوار هرات همین هنرمند انجام داده باشد.

۶- قاسم علی چهره گشا (قرن ۹ قمری) از شاگردان مکتب نقاشی بهزاد در هرات دوره سلطان حسین بایقرا است که نقاشی را در کتابخانه علی شیر نوایی فراگرفته و از اساتید این فن به حساب می آمده است. نقاشی او در نسخه خطی سال ۸۹۰ قمری، خمسه نظامی در کتابخانه بورلی آکسفورد است، بهترین آن ها تصویری از جماعت صوفیه در باغ سبز و خرم را نشان می دهد (زکی، ۱۳۶۶: ۱۱۶). این تصویر هفت نقاشی دارد که در آخر یکی از آن ها مشخصا نام قاسم علی نقاش درج شده است.

نقاشی مکتب هرات فقط به آن شهر محصور نماند بلکه به دلیل اوج هنری و شکوفای طرح و زیبای که داشت به خارج از افغانستان نیز تاثیر مستقیم گذاشت. دیمانند می گوید: از این که شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۱۶ قمری، بهزاد و تعدادی از شاگردان او را ( شیخ زاده و سلطان محمد که قبل از آن به تبریز آمده بودند) به تبریز منتقل ساخت، می توان بهزاد را مؤسس مکتب نقاشی صفوی تبریز به شمار آورد (دیمانند، ۱۳۸۱: ۵۵ - ۶۱) چون بسیاری از نقاشی های دوره صفویه تحت اشراف مستقیم بهزاد یا شاگردان وی صورت گرفته است. حتی سلطان محمد از ندیمان شاه طهماسب گردید و شاه از وی درس نقاشی فرا می گرفته است. تایتلی نیز عقیده دارد که مکتب هرات در دوران پیربوداق (پسرجهانشاه) توسط هنرمندان که در اوایل ۸۷۵ قمری، از هرات به شیراز سفر کرده بودند هم چنان فعال باقی ماند (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۶۴). بازهم دیمانند می گوید: در حدود سال ۹۴۲ قمری / ۱۵۳۵ میلادی عده ی زیادی از نقاشان و خوشنویسان مکتب هرات به بخارا منتقل یا تبعید شدند که در بخارا به همان اسلوب مکتب هرات و به خصوص سبک بهزاد به کار خود ادامه دادند. البته محمود مذهب، از شاگردان میرعلی خطاط، قبل از این به بخارا رفته بوده است (دیمانند، ۱۳۸۱: ۶۵) و از طرفی، نقاشی های بازمانده از هند دوره بابر تیموری نیز تا حدودی اسلوب مکتب هرات را نشان می دهد و

همه محققین به تاثیر اسلوب نقاشان مکتب هرات و تبریز به آن اشاره نموده است. مکتب نقاشی هرات به گفته زکی دارای سبک خاصی بوده که در ادامه به تمایزات آن اشاره می گردد.

مهم ترین تمایزات مکتب نقاشی هرات عبارتند از:

۱. مناظر زیبایی گلها و گلزارها و مناظر بهاری.

۲. به کارگرفتن رنگهای درخشان آبی که هیچگاه خروج از رنگی به رنگ دیگری وحدت و استقلال آن ها را متزلزل نمی کند

۳. مناظر طبیعی کوه و تپه های که به شکل اسفنج کشیده شده است.

۴. ایجاد هماهنگی و نسبت معقول و مقبول میان اشخاص و ساختمان ها با سایر مناظر (زکی، ۱۳۶۶: ۱۰۰).

البته مهم ترین ممیزه مکتب هرات حذف عنصر چینی (چهره حیوانات) از نقاشی های دوره تیموریان است که این نشان دهنده رعایت آموزه های دینی و اسلامی در نقاشی از سوی هنرمندان و نقاشان مکتب هرات است.

نقاشی، طراحی و خطاطی در قلمرو خود محصور نمانده بلکه جلد سازی، صنعت صحافی (به خصوص چرمی) این دوره را نیز به حد کمال رسانده که با نهایت دقت و مهارت انجام می شده است. ترکیب بندی روی جلد نسخه های مصور دوره تیموریان معمولاً؛ زمینه مستطیل با ترنجی در وسط، دو سر ترنج بالا و پائین و نیز چهار لچکی در چارگوش که تمامی سطح آن با طرحهای از اسلیمی های گل و گیاه و تزیین شاخ و برگ بر زمینه سیاه روی جلد بوده که به عقیده بلر، همین طرح و نقش مایه ها به قالی بافی این دوره منتقل شده است و نمونه های از این جلد ها در کتابخانه توقاپوسرای ترکیه است (بلر و ام، ۱۳۸۲: ۱/۱۰۳). بلر، یک نمونه بسیار بدیع و عالی از جلد یک نسخه از مثنوی مولوی جلال الدین بلخی آورده که در سال ۸۶۶ قمری برای سلطان حسین بایقرا، در هرات تهیه شده است. آلبر، می گوید: «شبهات های میان تزیین نسخ خطی و هنر قالی بافی وجود دارد، مانند

صحافی با چرم نازک که با فلز گرم به سبک آرابسک طلائی تزیین می کردند.» (لابار، ۱۳۸۶: ۶۷ - ۶۸). نقاشی، نگارگری و طراحی این دوره روی جلد کتاب و حتی قالی ها اثر گذاشته که از جنبه هنری با ارزش و پیوند صنعت قالی بافی و نقاشی را به وضوح نشان می دهد.

۲. شیعیان، خط و خطاطی دوره تیموریان: خداوند به نوشتن و قلم قسم یاد نموده و هم تعلیم آن را به خود نسبت داده و پیامبر اسلام (ص) نیز زیبای خط را برای وضوح، روشنای، گسترش حق مؤثر و کلید گشایش روزی می داند. از آن جای که هنر خط بدور از درگیری های اجتماعی و سیاسی بیشتر در خدمت استنساخ آیات قرآن، غزل، قصیده شعرای مسلمان بوده مورد توجه علما، حکما و فرمانروایان تیموری قرار گرفته و نسخه های بسیار نظیف و گرانبها از آیات کلام الله مجید و نمونه اشعار شعرابی مسلمان درهمنین مکتب هرات دوره تیموریان به وجود آمده و دوره طلائی تاریخ خط و خوشنویسی را رقم زده است که بدلیل وضعیت نابسامان افغانستان و بی توجهی متولیان فرهنگ و هنر بخشی از آن ها در دیگر کشورهای اسلامی، اروپای و آمریکای نگهداری می گردد. که در ادامه به انواع خط و آثار خطی این دوره اشاره می گردد.

۳/۱. انواع خط: انواع خطی که در دوره تیموریان کتابت می گردیده شش نوع؛ نسخ، ثلث، مُحَقَّق، ریحانی، رِقاع و توقیع را نام برده شده است. که البته در سده سیزده خطاطان و خوشنویسان خط دیگری را از ترکیب خط های نسخ، رِقاع و توقیع به نام «تعلیق» یا «تَرْسُل» ابداع نمودند که بیشتر نامه های دولتی با آن نگاشته می شده است. و در نیمه قرن چهاردهم م شیوه دیگری در خطاطی از ترکیب دو قلم نسخ و تعلیق به وجود آمد که نام آن را «نستعلیق» نهادند که به خط خراسانی شهرت دارد. این شیوه در کتیبه نویسی، دیوار نویسی، کتاب، رساله فرمان ها کار برد بیشتر داشته است. چون تزیین خط همیشه مورد توجه هنرمندان خطاط قرار داشت، از ترکیب تعلیق و نستعلیق خط دیگری به نام «شکسته» یا «شکست» ایجاد کردند که در رساله ها و مکتوب های دولتی و غیر دولتی کار برد داشته است و این هنر ارزشمند از زمان های دور تا به امروز در افغانستان حفظ گردیده و هم اکنون نیز استادان ماهر در این زمینه وجود دارد.

۳/۲. انواع آثار خطی دوره تیموریان: آثار خطی این دوره را می توان در نسخ قرآنی و ادعیه، برخی کتاب های تاریخی یا دینی و اشعار - غزل یا قصیده - شعرای مسلمان تقسیم بندی نمود.

۳/۲/۱. آثار خطی قرآنی و حدیثی

الف. عبدالله طباطبائی هروی (؟ - ۸۸۵ غور) نسخه خطی قرآن به خط همین هنرمند که هر صفحه به سه نوع خط می باشد و از کتابخانه شاهان هند به کتابخانه عمومی کابل آورده شده است (حبیبی، بی تا: ۷۸۵). نمونه از خط همین هنرمند که در سال ۸۴۵ قمری از سوره ناس تحریر گردیده در بخش تصاویر کتاب زبده التواریخ حافظ ابرو صفحه ۱۲۴۰ و تصویر شمار ۸۶ آمده است (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۲ / ۱۲۴۰). از قرآن خطی بسیار نفیس به خط عبدالله طباطبائی هروی روز جمعه ۲۱ اسفند ۱۳۹۴ با حضور علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران و محمد فرهادی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری ایران در دانشگاه خاتم توسط بانک پاسارگاد روی نمایی گردید. به گفته مجید قاسمی رئیس دانشگاه خاتم این نسخه خطی برای چاپ به آلمان فرستاده شده و با مرغوب ترین کاغذ و البته با چرم ایرانی جلد گردیده است.

ب. محمد حسین الماس، قرآن به خط ثلث این هنرمند در کتابخانه علوی مزارشریف است (حبیبی، بی تا: ۳۸۲).

ج. محمود سلطانی، قرآن به خط نسخ ریحانی ۸۴۶ قمری، از این هنرمند موجود است که در دارالسلطنه هرات کتابت گردیده است (حبیبی، بی تا: ۴۸۳).

د. جمال الدین محمد هروی اثر خطی او از تفسیر چرخ، ۹۴۱ قمری، تحریر یافته در انستیتوی آثار خطی تاجکستان است (موجانی و علی مردان، ۱۳۷۶: ۲ / ۲۳۶).

ذ. میرکامل بن میر شاه عوض بن ... ولی روستاقی، اثر خطی او از تفسیر چرخ در انستیتوی آثار خطی تاجکستان است (همان، ۲۳۶ / ۲ تا ۲۳۸).

ر. احمد بن نعمت الله هروی، تفسیر قرآن به خط نستعلیق او که در ربیع الثانی ۹۸۲ق در شهر هرات کتابت گردیده و به شماره ۲۸۱ در کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد است (صدرائی، ۱۳۸۳: ۲۰۰).

ز. جلال الدین هروی، تفسیر حسین، به خط نسخ خفی او، ۹۶۱ قمری، در موزه هرات است (حبیبی، بی تا: ۳۴۸).

س. عبدالله بن علی، نسخه خطی نستعلیق و نسخ از شرح نهج البلاغه، ۱۰۶۱ قمری از این هنرمند در کتابخانه عمومی کابل است (همان: ۳۶۹).

۳/۲/۲. آثار خطی به صورت کتیبه، شعر و دعا

الف. میرعلی کاتب هروی. دو قصیده منسوب به حضرت علی (ع) ۹۳۰ قمری، در کتابخانه ملا محمد صدیق هروی در هرات (حبیبی، بی تا: ۳۵۲). مناجات حضرت علی (ع) در ارگ کابل (همان: ۳۵۲). و تعدادی از کتیبه های حرم امام رضا (ع) را همین خطاط نوشته است (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۴۱).

ب. سلطان علی مشهدی (؟- ۹۱۹) معروف به سلطان الخطاطین، کاتب دربار سلطان حسین بایقرا و امیر علی شیر نوایی که از سال ۸۷۵ تا ۹۱۲ قمری (زکی، ۱۳۶۶: ۶۹) حدود ۳۷ سال در هرات زیسته، همه روزه به نگاشتن، تذهیب کاری نفیسه و رسامی برجسته و ... مشغول بوده و کتیبه های بناهای خیریه و مساجد هرات را که از بناهای سلطان حسین بایقرا و امیر علی شیر نوایی بود به خط نستعلیق اعلا می نگاشته است. از جمله کتیبه هایی برجسته او کتیبه های باغ جهان آرای هرات (ایرانی، بی تا: ۱۵۹-۱۶۰) و نسخه خطی بوستان سعدی، ۸۹۳ قمری، در دارالکتب مصر موجود است (زکی، ۱۳۶۶: ۱۱۲).

ج. مولانا اظهر (اطهر) هراتی (۸۸۰ - ؟) خطاط برجسته و مشهور دوره تیموریان- ابوالمظفر سلطان محمد بهادر- است که دعای « ناد علی » را با خط زیبا نوشته و به بارگاه همان سلطان تیموری اهدا نموده (واصفی، ۱۳۵۰: ۲ / ۱۳۱) یک آلبوم حاوی ۲۵ ورق از آثار هنری او در کتابخانه دانشگاه علیگر هند است (حبیبی، بی تا: ۷۳۶).



۳/۲/۳. آثار خطی به صورت کتاب

الف. از خطاطان بسیار معروف دوره تیموریان، علی بن محمد هروی بنائی (یا کمال الدین بنائی) فرزند محمد سبز بنا (بابر، ۱۳۸۸: ۱۱۶) معروف به مولانا بنائی هروی (؟- ۹۱۸) از سر آمدان روزگار در خط، موسیقی و شعر است که غزل، مثنوی و تصنیفاتی در موسیقی نیز دارد و دیوانی در پاسخ به غزل های سعدی و حافظ با تخلص «حالی» ترتیب داده است (آذر، ۱۳۳۷: ۱۵۲) که به دو اثر خطی از وی اشاره می گردد: اولی از کتاب تاریخ شیبانی در انستیتوی شرق شناسی ابوریحان بیرونی تاشکند (ارون بایف، موجانی و موسایف ۱۳۷۶: ۱ / ۷۹) و نسخه دوم از همان کتاب به نام فتوحات خانی که در انستیتوی آثار خطی تاجکستان است (موجانی و علی مردان، ۱۳۷۶: ۱ / ۶۳).

ب. دیگر از خطاطان شناخته شده این دوره میرعلی کاتب هراتی (؟- ۹۵۱ قمری) از سادات حسینی هرات شاعر و از کاتبان در بار سلطان حسین بایقرا (حبیبی، بی تا: ، ۱۷۵- ۱۷۷) است که رساله منظوم در باره خط، ساختن جوهر، چگونگی کاغذ، رنگها، قلم، قاعده نوشتن و ... را تألیف نموده و به شاه اسماعیل صفوی هدیه نموده است (موجانی و علی مردان، ۱۳۷۹: ۳ / ۱۸). از میرعلی هروی نسخ زیبای خطی در موزه های دنیا موجود است: نسخه خطی خمسه نظامی حدود ۴۰۶ صفحه، سال ۹۲۸ قمری (حبیبی، بی تا: ۴۸۵) بوستان سعدی در مجموعه گل بنکیان پاریس (همان: ۷۱۰) مخزن اسرار نظامی، ۹۴۴ قمری در کتابخانه ملی پاریس (همان: ۷۱۳) حدیقه السعداء، ترجمه عربی روضه الشهداء، در کتابخانه قاهره شماره ۵۰۶ نگهداری می گردد (همان: ۷۸۵).

ج. عبدالباقی مشهور به خالدار محمد، یک اثر خطی او از کتاب بدایع الانشاء تألیف یوسف هروی در انستیتوی آثار خطی تاجکستان است (موجانی و علی مردان، ۱۳۷۶: ۱ / ۲۵). این کتاب در زمینه ادبیات، علوم ادبی، علم انشاء، مجموعه نامه ها به اشخاص عالی رتبه است که در سال ۹۴۰ قمری برای پسرش رفیع الدین حسن در هند نوشته است.

د. معزالدین محمد حسینی، یک اثر خطی او از کتاب عرفانی کنزالرموز تألیف امیر حسینی غوری در کتابخانه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی است (انجمن آثار مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰: ۱۴۹-۱۵۰).

ر. حسن محمد کاتب، نسخه خطی نستعلیق به قلم وی از کتاب اخلاق محسنی تالیف واعظ کاشفی هروی است که در ۹۶۱ قمری تحریر گردیده و به گفته حبیب در موزه هرات نگهداری می گردد (حبیبی، بی تا: ۳۴۷).

س. محمد هاشم بن محمد ابراهیم (؟-۱۱۲۸ قمری) یک اثر خطی او از کتاب جامع الفوائد اثر یوسف هروی به ش ثبت ۶۶۷۵۷، در مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی است (منزوی، ۱۳۷۷: ۱/۷۱).

ص. محب علی هراتی (؟-۹۷۳ قمری) خواهرزاده بهزاد از اعجوبه زمان و یکی از چهل تن اساتید خوشنویس کتابخانه بایقرا به شمار می آمده که شاه طهماسب او را از هرات به قزوین آورد و از آن پس در کتابخانه شاه قزوین مشغول نسخه برداری کتب گردید (ایرانی، بی تا: ۲۲۲).

#### نتیجه

تمدن اسلامی در هرات دوره تیموریان با هنر اعم از خطاطی، تذهیب، مینیاتوری، نگارگری و آن چه مربوط به صنعت کتاب و کتاب آرایی و به خصوص با ایجاد مکتب نقاشی هرات توسعه و تا اطراف شهرهای خراسان بزرگ حتی بخش های از شبه قاره هند گسترش یافته است به گونه که به گفته برخی از محققین تاریخ هنر اسلامی دامنه وسیع آن در طرح و نقش قالین های اروپای قرن پانزده و شانزده میلادی دیده می شود.

هرچند در منابع تاریخی و پژوهش های محققین تاریخ هنر و تمدن اسلامی دوره تیموریان از بینش و نگرش مذهبی نقاشان، مینیاتوران، نگارگران، خطاطان و طراحان نقش و طرح قالین های دوره تیموریان سخن گفته نشده است اما تحلیل نگاره ها، انتخاب کلمات، و صحنه های تاریخی از وقایع و حوادث مهم صدر اسلام که در نقاشی ها به کار گرفته شده نشان دهنده باورهای اختصاصی تشیع امامیه و در نتیجه دلیل روشنی بر نقش اساسی هنرمندان شیعیان افغانستان در ایجاد یا گسترش رنسانس اسلامی هنری دوره تیموریان است. این در حالی است که رشته های مختلف علوم متداول از

قبیل پزشکی، ریاضی، جغرافیا، فقه، حدیث، تفسیر و حتی نجوم که در همین دوره در سمرقند با زیج الغ بیگ به اوج شکوفای رسیده بود در هرات دیده نمی شود.

آخرین مرحله تاریخ نگاری اسلامی به سبک مورخین پیشین مسلمان در این دوره آن هم توسط چند مورخ صاحب نام شیعی در هرات صورت گرفته که کتاب تاریخ دیگری به آن پایه به وجود نیامده است. در زمینه اخلاق نیز که از عناصر مهم شکل گیری هر تمدن به حساب می آید گزارش های تاریخی دوره تیموریان نشان دهنده نقش مهم علمای شیعه در بیان مسایل اخلاقی و اصلاح جامعه بر اساس الگوی اسلامی است که جلسات آن به طور مداوم در خانقاه ها، مدارس، مساجد و دیگر اماکن عمومی دولتی و خصوصی هرات برگزار می شده است.

می توان هرات دوره تیموریان را مرکز رشد و توسعه هنری تمدن اسلامی اعم از خطاطی، نقاشی، تذهیب، نگارگری و مینیاتوری به حساب آورد که بر اساس استنباط برخی از پژوهشگران تاریخ هنر اسلامی در طرح و نقش قالین های دوره تیموریان در هرات اثر گذاشته و به اشتباه این قالین ها به شهرهای دیگر مثل تبریز یا اصفهان نسبت داده شده است.

#### کتابنامه

##### قرآن کریم

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، (۱۳۸۰) فهرست نسخه های خطی فارسی و عربی، تهران، کتابخانه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چ ۱.

انوار، سید عبدالله (۱۳۸۳) فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی، چاپ سوم، ج ۵.

ایرانی، عبدالحمید، (بی تا) پیدایش خط و خطاطان، تهران، انتشارات سیاولی «فرهنگسرا».

آذر، بیگدلی، (۱۳۳۷) آتشکده آذر، به اهتمام سید جعفر شهیدی، بی جا، موسسه نشر کتاب، چ ۱.

آلبر، لابر، (۱۳۸۶) تاریخ کتاب، ترجمه محمد خادمی، تهران، کلیدر، چ ۱.

بابازاده، شهلا، (۱۳۷۸) تاریخ چاپ در ایران، تهران، کتابخانه طهوری، چ ۱.

بابر، ظهیر الدین محمد، (۱۳۸۸) بابرنامه، ترجمه شفیقه یار قین، کابل، انستیتوت دیپلماسی و مطالعات استراتژیک وزارت خارجه افغانستان، چ ۱.

شایسته فر، مهمناز، (۱۳۸۴) هنر شیعی، عناصر شیعی در نگارگری و کتیبه نگاری تیموریان و صفویان، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی، چ ۱.

بلر، شیلا اس و جاناتان، ام، (۱۳۸۲) هنر و معماری اسلامی در ایران و آسیای مرکزی دوره ایلخانیان و تیموریان، ترجمه سید محمد موسی هاشمی گلپایگانی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۱. ج ۱.

پاینده، ابو القاسم، (۱۳۸۲) نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش، چ ۴.

تهرانی، آقا بزرگ، (۱۴۰۸ق) الذریعه الی تصانیف الشیعه، ترجمه محمدرضا حکیمی، قم، اسماعیلیان، چاپ سوم، ج ۳، ۴ جلد بسیم این کتاب با تصحیح احمد منزوی چاپ ۱۳۹۰ق تهران، کتابخانه اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است.

حافظ ابرو، عبدالله، (۱۳۷۲) زبده التواریخ، تصحیح سید کمال حاج سید جوادی، تهران، نشر نی و سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۱، ج ۲.

حیبی، عبدالحی، (بی تا) هنر عهد تیموریان و متفرعات آن، بی جا، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

خواندمیر، غیاث الدین، (۱۳۷۲) مآثر الملوک به ضمیمه خلاصه الاخبار وقانون همایونی، تصحیح میر هاشم محدث، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، چ ۱.

ارون بایف، عظام الدین، موجانی، سید علی و موسایف، شاه نیاز (۱۳۷۶) فهرست نسخ خطی فارسی گنجینه انستیتوی شرق شناسی ابوریحان بیرونی تاشکند، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی - مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، چ ۱، ج ۱ (بخش اول).

دیماند، پرایس اسوند، (۱۳۸۱) راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه: عبدالله فریاد، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۴.

زکی، محمد حسن، (۱۳۶۶) تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، ترجمه محمدعلی خلیلی، تهران، اقبال، چ ۱ (در قطع جدید).

سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق، (۱۳۸۳) مطلع سعدین و مجمع بحرین، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چ ۱، ج ۲، دفتر اول.

صدرایی، علی، و حافظیان، ابوالفضل (۱۳۸۳) فهرست کتاب های چاپ سنگی کتابخانه آستانه حضرت معصومه، قم، آستانه مقدسه، چ ۱.

صدرایی، علی، (۱۳۸۳) فهرست نسخه های خطی گنجینه قرآن، قم، مرکز ترجمه قرآن به زبانهای خارجی، چ ۱.

عسقلانی، احمد بن علی ابن حجر، (۱۴۱۵ق) الاصابة فی تميز الصحابة، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه، چ ۱، ج ۱.

عطاردی، عزیزالله، (۱۳۷۶) سیری در کتابخانه های هند و پاکستان، تهران، انجمن مخطوطات ایران و انتشارات عطاردی، چ ۱.

قمی، قاضی میر احمد بن شرف الدین منشی، (۱۳۶۶) گلستان هنر، به اهتمام: سهیلی احمد خوانساری، تهران، کتابخانه منوچهری، چ ۳.

کمیسیون ملی یونسکو در ایران، (۱۳۴۲) ایرانشهر، نشریه شماره ۲۲، دانشگاه تهران، چ ۱.

منزوی، احمد، (۱۳۷۷) فهرست نسخه های خطی مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، چ ۱، ج ۱.

موجانی، سیدعلی و علی مردان، امیر یزدان، (۱۳۷۶) فهرست نسخ خطی فارسی انستیتوی آثار خطی تاجکستان، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه ایران، چ ۱، ج ۱، ۲.

موجانی، سیدعلی و علی مردان، امیر یزدان، (۱۳۷۹) فهرست نسخ خطی فارسی انستیتوی آثار خطی تاجکستان، تهران، کتاب خانه بزرگ آیت الله مرعشی، قم، چ ۱، ج ۳.

میرخواند، میر محمد (۱۳۸۵) تاریخ روضه الصفا، تصحیح جمشید کیان فر، تهران، اساطیر، چ ۲، ج ۴.

میرداماد، محمدباقر، (۱۳۱۱ق) الرواشح السماویة فی شرح الأحادیث الإمامیة، قم، دار الخلفاء، ج ۱.

نقیسی، سعید، (۱۳۶۳) تاریخ نظم و نثر در ایران، بی جا، انتشارات فروغی، ج ۲، ج ۱ و ۲.

نورالدینوف، شمس الدین، (۱۳۶۵) تذکره التواریخ، ترجمه: پوهاند دکتر جلال الدین صدیقی، کابل، کمیته دولتی طبع و نشر، ج ۱.

واصفی، زین الدین محمود، (۱۳۵۰) بدایع الوقایع، تحقیق: الکساندر بلدروف، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ج ۲، ج ۱ و ۲.

یزدی، شرف الدین، (۱۳۳۶) ظفرنامه، به اهتمام: محمد عباسی، تهران، موسسه امیرکبیر، ج ۱.

